

در پی تخریب آلونک بانوی بندرعباسی و درد جانکاه نابرابری؛ آیا ملک ریاست جمهوری را هم اینطور تخریب کردید؟

تخریب آلونک یک زن سرپرست خانوار در بندرعباس بار دیگر چهره زشت نواقص بزرگ در عدالت و تضاد طبقاتی در جامعه ایرانی را به رخ کشید.

به گزارش سایت خبری پرسون، روز گذشته ویدئویی کوتاه از تخریب آلونک یک زن سرپرست خانوار در بندرعباس منتشر شد. این خانه‌ی محقر که فاقد حداقل امکانات بود در خیابان ثارالله بندرعباس ساخته شده بود. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل تأثیرات غلط سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات کلان کشوری، افزایش مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها و همچنین افزایش قیمت مسکن و زمین، برخی خانواده‌ها مجبور به ساخت خانه‌های کوچک در حاشیه شهر بندرعباس شدند. معضلی که البته مشابه آن را در سایر استان‌ها نیز شاهد هستیم.

شهرداری به دلیل آنچه ادعا می‌کرد این خانه به‌صورت غیرمجاز ساخته شده اقدام به تخریب آن می‌کند. فیلم منتشر شده از تخریب و صدای تظلم‌خواهی زن و کودکی که در این آلونک زندگی می‌کردند، موجب انتقادات گسترده در فضای مجازی شد چراکه این اولین بار نیست شاهد چنین اتفاقاتی هستیم.

تخریب این آلونک متأسفانه پایان ماجرا نبود و زنی که با فرزندانش در این آلونک محقر زندگی می‌کرد اقدام به خودسوزی کرد و با سوختگی ۱۷ درصد در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس بستری است.

۱- اولین نکته که هنگام مشاهده ویدئوی تخریب خانه این هموطن به ذهن متبادر می‌شود، علاوه بر اینکه یک اقدام غیرعادلانه و خلاف هرگونه انصاف را نشان می‌دهد، این مسئله است که چرا یک خانواده باید در آلونکی که فاقد حداقل امکانات زندگی اعم از آب و برق و سرویس بهداشتی است زندگی کند. در حقیقت لایه‌های زیرین این ویدئو ما را به سمت نابرابری عمیق اجتماعی هدایت می‌کند.

مسئله حاشیه نشینی در سال‌های اخیر موجب شده تا شاهد رشد چهاردیواری‌هایی باشیم که به‌سختی بتوان نام خانه بر آن نهاد و در بهترین حالت سرپناهی جانکاه است که یک خانواده بتوانند در آن زندگی کنند و در خیابان نمانند. برخی آمار از حدود ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین در ایران خبر می‌دهند که عدد بسیار تلخی است. اما در مواجهه با چنین پدیده‌ای که معلول افزایش فقر و قیمت اجاره‌بها و ملک است، مسئولان شهری و دولتی راهکار مناسب و مدونی برای برخورد با این پدیده ندارند و برخی هم تنها به آخرین گزینه که تخریب این‌گونه سرپناه‌ها است روی می‌آورند.

۲- نکته بعدی نحوه برخورد با این پدیده است. بفرض که این آلونک حتی غیرقانونی ساخته شده است؛ اصلاً کدام قانون به دولت و حکومت اجازه داده چنین بی‌نواپانی شکل بگیرند؟

از روز گذشته شاهد ورود و واکنش مسئولان مختلف شهری و استانی بودیم. از بیانیه مجمع نمایندگان هرمزگان و امام جمعه بندرعباس تا عیادت رئیس‌کل دادگستری استان از زن ساکن در این خانه و درخواست اعضای شورای شهر برای استیضاح شهردار و... واکنش‌هایی که در بهترین حالت نوش داروی بعد از مرگ سهراب هستند و باید پیش از آنکه این زن اقدام به خودسوزی کند برای تأمین نیازهای زندگی وی و امثال او فکری می‌کردند.

۳- آنچه در کنار نحوه تخریب آزاردهنده است، تکرار این نوع برخوردها در کشور است و هربار به‌رغم وعده برخورد با مسببان چنین فجایعی، بازهم شاهد اینگونه اتفاقات هستیم. در خردادماه امسال ماجرای آسیه پناهی را شاهد بودیم که شهرداری کرمانشاه با لودر اقدام به تخریب آلونک وی کرد که درنهایت برابر مقاومت در برابر مأموران شهرداری جان خود را از دست داد.

این سناریو که حالا مدتی است به یک سریال تبدیل شده و یا حداقل به واسط حضور شبکه‌های اجتماعی به نحو سریالی امکان دیده شدن پیدا کرده، نیازمند ورود جدی دستگاه قضایی و جلوگیری از برخورد سلبی با پدیده آلونک‌های حاشیه‌نشین‌هاست و رشد این پدیده نیازمند تدبیر جدی و درمان قطعی مسئولان اجرایی و تقنینی است.

۴- علاوه بر اینکه رفتارهای قهری از قبیل آنچه روز گذشته شاهد بودیم، مایه وهن نظام تلقی می‌شود، در نحوه برخورد با املاک غیرمجاز با نوعی بی‌عدالتی و نابرابری حقوقی روبرو هستیم چنانکه قانون در موارد متعددی از حداکثر زور خود در برخورد با مستضعفان بهره می‌برد اما در مواجهه با ملاکان یا اصحاب قدرت، فاقد زور و قوه قهریه مشابه است. برای مثال اواخر خردادماه، خبر ساخت‌وساز غیرمجاز نهاد ریاست جمهوری در منطقه جماران خبرساز شد و چند تن از اعضای شورای شهر با بازدید از محل به تخلف صورت گرفته صحنه گذاشتند اما فیلم منتشر شده از تخریب ملک ریاست جمهوری هیچ سنخیتی با نحوه تخریب خانه این خانواده بندرعباسی یا مرحومه آسیه پناهی نداشت.

این نوع بی‌عدالتی در تخریب املاک غیرقانونی را در نحوه تخریب ویلای شبنم نعمت زاده در لواسان نیز شاهد بودیم که درنهایت دقت و به شیوه بسیار گند، کار تخریب صورت می‌گرفت! و درباره داماد یکی از مسئولان هم که گفته می‌شود هنوز خبری از تخریب نیست!

۵- آنچنانکه بارها نیز در گزارش‌ها به آن پرداخته شده، ماجرای نابرابری‌ها و ناعدالتی بسیار عمیق‌تر از تخریب آلونک یک مستضعف است؛ موضوع

جدی‌تر نفوذ تفکر سرمایه‌داری است که آرمان‌های جمهوری اسلامی را با تهدید بسیار جدی مواجه می‌کند. قطعاً بسیاری از مردم به محض مشاهده، از واقعۀی ظلم به پیرزن بندرعباسی نمی‌توانند به سادگی عبور کنند و با او همدردی می‌کنند، اما آیا نسبت به ریشه‌های ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین در کشور همینقدر حساس هستیم؟ آیا نسبت به نابرابری آموزشی و بی‌عدالتی‌ها در این حوزه که صدها هزار انسان را نسل در نسل تحت تاثیر قرار می‌دهد همینقدر حساس هستیم؟ آیا در برابر نابرابری‌های موجود در شهرها که از یک طرف مال‌های بزرگ را می‌بینیم و در کنار آن کپر نشین‌هایی حضور دارند، این عنایت را داریم که این نابرابری‌ها نامشروع است؟

آیا نباید از ماجرای آسیه پناهی‌ها و پیرزن بندرعباسی این درس را بگیریم که در عدالت نیازمند تفکر و تحرک بسیار بیش از آن چیزی هستیم که امروز شاهدیم؟ آیا اگر با این پیرزن مظلوم اینچنین رفتار نمی‌شد به همین اندازه به فکر می‌افتادیم که اصلاً همین آلونکی که او در آن حضور دارد مصداق ظلم است؟

منبع: تسنیم